

توسعه صنعتی و بخش خصوصی

محسن خلیلی

رئیس کنفدراسیون صنعت ایران و
انجمن مدیران صنایع ایران

بزرگداشت روز صنعت و معدن

تیرماه ۱۳۸۲

صنعت دارای ابعاد و جوانب متفاوت و گاه متضادی است که با وجود مجهولات متعدد باید در پی راه حل‌های چند جانبه و چند گانه ای بود تا شناخت کاملی از این بخش مولد به دست آید و این کلاف درهم تنیده را به تدریج باز کرد. هر تلاشی که بتواند بخشی از آن را بگشاید طبعاً به یافتن و در گردآوری مجموعه ای از شناخت و راه کارها کمک خواهد کرد.

این مهم نیازمند دستیابی به آگاهی و دانایی است. آگاهی از آنچه که هست و از آنچه که باید باشد زیرا آگاهی سرآغاز خردمندی و فرزاندگی است. صنعت مدرن، به هر حال، در طول بیش از یک قرن که از پیدایش آن در کشور ما می گذرد با افت و خیزها، دشواریها و امکانات، فرصت و تهدیدها به حیات خود استمرار بخشیده است با هدف اینکه به فضای وسیعتری برای اثبات کارآمدی و اثرگذاری و ایفای نقش بیشتر در اقتصاد ملی دست یابد.

به هر صورت پرداختن به صنعت در کشورمان، مستلزم یک سلسله مطالعه در جهان، سپس ایران است تا فضایی که بر بخش صنعت حاکم است تا حدی شناخته شود و طراحی‌ها بر پایه آن شکل گیرد.

۱- بررسی و تحلیل چالش‌ها و چشم اندازهای بخش صنعت

۲- مطالعه تطبیقی راه کارهای توسعه صنعتی در منتخب کشورهای جهان

۳- سیاست‌ها و برنامه‌های پیشنهادی برای شکوفایی بخش خصوصی در ایران

بررسی و تحلیل چالش‌ها و چشم اندازهای بخش صنعت

صنعت اساس توسعه است، حتی در کشاورزی و خدمات

صنعت پایه و مایه قوام جامعه بشری امروز است.

بدون صنعت زندگی محکوم به فنا است.

ما نیاز به فرهنگی داریم که در آن سرمایه گذاری و تولید، کار مقدس باشد.

سرمایه گذاران باید تشویق شوند و حیثیت اجتماعی آنها باید در جامعه تامین شود.

میزان الحارره جذب منابع خارجی، منابع داخلی است.

باید زمینه را برای جذب و تامین امنیت سرمایه گذاران ایران مقیم خارج از کشور فراهم کنیم.

صنعت همزاد آدمی است و خداوند در فطرت او آفرینندگی، خلاقیت و زیبا شناسی قرار داده است.

انجام ماموریت بخش صنعت ایران و تحقق رسالتی که زمان و مکان بر عهده بخش صنعت گذاشته

مستلزم تنظیم اولویتهای اقتصادی کشور در سطح کلان می باشد.

شرح کوتاهی درباره صنعت و رسالت های صنعتگران

بخش خصوصی صنعت کشور بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تمامی تلاش های خود را مصروف بقا و ماندن خود نمود. در این دوره تدوین و پیاده سازی استراتژی توسعه صنعتی، سرمایه گذاری و تلاش برای رقابت مندی رونقی نداشت. برداشت ها و تحلیل هایی که از بخش خصوصی

صورت می گرفت بعضاً منصفانه نبود و ارتقای توان ساخت و ساز در کشور و صدور خدمات فنی مهندسی به خارج، نتیجه اعتماد دوراندیشانه فرماندهی جنگ به قابلیت های صنعتی و فنی کشور و پاسخگویی مسئولانه صنایع به آن اعتمادها و مشارکت در دفاع مقدس بود.

ضرورت توجه به صنعت و انجام برنامه ریزی های اساسی نشأت گرفته از دیدگاه فنی - اقتصادی جدیدی است که در سالیان اخیر در جهان صنعت و اقتصاد مطرح شده و سلطه خود را مستمر گسترش می دهد.

تغییراتی را که این نگرش جدید، الزام می نماید عبارتند از، کاهش نیاز به بسیاری از صنایع قدیمی، نیاز به مجموعه مهارت های جدید، نیاز به ساماندهی جدید برای بنگاهها و کارخانه ها، ضرورت نوآوری در کاربرد عوامل و فرآیندهای جدید، مرتبط شدن ضرورت های ملی و منطقه ای به تغییر ساختار هزینه ها و جهانی شدن، اهمیت یافتن بنگاههای کوچک و کشورهای کوچک و کاربرد تکنولوژی های جدید و بی اعتبار شدن انحصار های دولتی.

لذا برای جبران عقب ماندگی های صنعتی ضروری است که فضای رقابتی ایجاد شود، مسئولیت ها با توجه به اصل شایسته سالاری واگذار گردد ساختار جدیدی برای حقوق مالکیت و حمایت صریح از این حقوق ایجاد گردد چرا که عدم رعایت این حقوق نقدینگی را به سایر فعالیت ها سوق داده و در تقلیل بهره وری آثار مخرب دارد.

صنعت ایران باید بتواند مأموریت و رسالتی را که زمان و مکان بر عهده اش قرار داده است، به خوبی تحقق بخشد و بخصوص به رقابت کشورهای آسیایی عنایت خاص داشته باشد. عنایت به این واقعیت که ۱۶ درصد جمعیت جهان ۵۷ درصد تولید ناخالص و ۷۷ درصد صادرات کالاها و خدمات را در سطح جهانی در اختیار دارند، اهمیت و رسالت ما را در صنعتی نمودن کشور بیش از پیش روشن می سازد.

صنعتگران کشور پایه گذاران بخش مهمی از اقتصاد اند، که صرفاً برای منافع تنگ نظرانه و کوتاه مدت به این میدان نیامده اند، بلکه بوده اند و مانده اند و خواهند ماند تا ایران را آباد و ایرانی را سرفراز ببینند.

چه آینده ای را برای صنعت ایران پیش بینی می کنیم

عدم انجام سرمایه گذاری های لازم و فقدان قوانین و مقررات حمایتی و بستر ساز و تسهیل کننده سرمایه گذاری و تولید و در نتیجه پایین بودن سهم صنعت در تولید ناخالص ملی (حدود ۱۵-۱۶ در صد در مقایسه با رقم متوسط ۲۵ درصد برای کشورهای موفق) مانع سیر سریع بسوی صنعتی شدن کشور بوده است.

بی شک با توجه به مزیت های نسبی کشور (به دلیل وجود ذخایر و منابع طبیعی و انرژی و نیروی کار و ضرورت های اقتصادی) می توان توسعه صنعتی را، محور توسعه اقتصادی قرار داد. دو مقوله را نباید از نظر دور داشت که عنایت به آن می تواند تحلیل ها را در مورد آینده صنعت کشور تغییر داده و نظرها را در مورد وضعیت این بخش نسبتاً خوشبین نماید که عبارتند از:

الف : فراهم شدن نسبی زیرساخت ها و زیربناها در سالهای اخیر ، که می توان گفت در حال حاضر عوامل زیربنایی لازم برای یک جهش رشد سریع صنعتی نسبتا آماده شده است .

ب: تمهیدات پیش بینی شده در برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جهت زمینه سازی ، دفع موانع و فراهم نمودن شرایط مناسب برای افزایش سرمایه گذاری ها و گسترش تولید به خصوص در بخش صنعت .

به نظر می رسد تا حدودی امکانات و زیر ساختهای لازم در فرآیند صنعتی شدن کشور فراهم شده است و مسلما آماده شدن و بسط آنها می تواند روند توسعه را شتاب بخشد . این زیرساخت ها عبارتند از : گسترش مراکز آموزشی ، توسعه راهها و ارتباطات ، وجود ظرفیت های لازم برای تامین انرژی و نیروی برق و بالاخره ایجاد ظرفیت های تولیدی نسبتا مطلوب در زمینه صنایع مادر و اساسی و وجود قابلیت های تولیدی و مناسب در کشور در این بخش از صنعت .

وجود سالیانه بیش از ۱ میلیون نفر فارغ التحصیل دبیرستانی (دیپلم) ، دارا بودن ظرفیت دانشگاهی و اشتغال به تحصیل حدود ۱/۲ میلیون نفر دانشجو و داشتن سالیانه حدود ۳۰۰ هزار فارغ التحصیل دانشگاهی ، می توان گفت ، ایران از مرحله آماده سازی زیر ساخت های آموزشی عبور کرده و اکنون با مشکل فارغ التحصیلان روبرو است .

در حال حاضر حدود ۶۲ هزار کیلومتر راه آسفالت در کشور وجود دارد .

ظرفیت تولید برق کشور در حال حاضر حدود ۲۷ هزار مگاوات می باشد . پیش نیاز گذر از مراحل توسعه و رسیدن به یک جامعه صنعتی داشتن توانایی تولید و وجود ظرفیت تولیدی مناسب حداقل در چند رشته از صنایع پایه ، اساسی و مادر است. از عمده ترین این صنایع می توان صنایع فولاد ، مس ، سرب ، روی و پیروشمی را نام برد .

با توجه به نکات فوق میتوان گفت که در حال حاضر از جنبه سخت افزاری زیرساخت ها لازم برای نیل به مرحله توسعه صنعتی فراهم و مهیا گردیده است .

برنامه سوم ، ضمن مشخص کردن ریشه های عمده و اصلی بسیاری از مسائل توسعه اقتصادی و صنعتی کشور کوششی وافر در ارائه راه حل ها (چه در غالب مواد قانونی که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و چه به صورت راه کارهای اجرائی که بایستی توسط دولت اعمال شود) نموده است .

در تبیین شرایط مثبت فعلی ، این نکته را نیز باید اضافه نمود که افزایش نسبتا مطلوب قیمت های جهانی نفت و ایجاد درآمد های مازاد ارزی برای کشور از محل همین افزایش ، خوشبختانه خود زمینه های مساعدی را برای به کار گیری منابع حاصله در تکمیل و توسعه ظرفیت های اساسی مورد نیاز توسعه صنعتی کشور فراهم و امیدواری ها را بیشتر نموده است .

به طور کلی برای دست یافتن به یک توسعه مطلوب و پایدار راهی جز توسعه صنایع و صنعتی شدن نداریم .

مطالعه تطبیقی راه کارهای توسعه صنعتی در منتخب کشورهای جهان

جهانی شدن

جهان در حال گذر از اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی است که از طی مسیر اقتصاد محلی به اقتصاد ملی بسیار متلاطم تر و پرتنش تر می باشد. طبعا نگاه به جهان از منظر صاحبان قدرت با فروماندگان بسیار متفاوت خواهد بود. جوامع امروز، بر خلاف گذشته، بیش از پیش به هم وابسته و سرنوشت آنها به هم گره خورده است و لذا به ناچار باید به یک سلسله قواعد جهانی گردن نهند و تصمیمات و اقدامات خود را با مصالح بین المللی و منافع مردم جهان هماهنگ سازند.

به هر حال جهانی شدن اقتصاد یکی از ویژگیهای اقتصاد امروز جهان است که در آن افزایش سرمایه گذاری های مستقیم، نقش آفرینی بازارهای مالی و پولی و مهمتر از همه گسترش نقش شرکتهای فراملیتی متبلور شده، مردم سالاری، افزایش نقش آب و خاک در آینده اقتصاد جهان، منطقه ای شدن جهان به همراه صرفه جویی در مصرف، درک عدم کارآیی مدیریت و مالکیت دولتی و هم چنین ناکارآمدی نظام جهانی اعطای یارانه، و بالاخره شناخت ارزش های مدیریت شایسته در اداره کشور و یا در زمینه های صنعتی و بازرگانی اشاره می کند.

اقتصاد کشور

- اقتصاد ایران بعد از یکصد سال تجربه، هنوز اقتصاد مختلط یعنی اقتصاد مبتنی بر دولتی و خصوصی، کشاورزی و صنعتی با دو ویژگی سنتی و مدرن را تجربه می کند. از اقتصاد ایران هم چنین به عنوان یک اقتصاد بسته یاد می شود. بسته بودن اقتصاد بدین معنی است که کمتر شرایط اقتصاد بازار بر آن حاکم است و دولت در آن نقش فائقه را دارد. در ساختار غیررقابتی اقتصاد کشور، جایگاه بخش خصوصی به درستی تعیین و تعریف نشده است در گذشته در بسیاری از حوزه ها که بخش خصوصی و نیروهای اجتماعی می توانستند مشارکت داشته باشند با ممانعت دولت روبرو شده اند در این اقتصاد حقوق مالکیت فقط در بعضی از قلمروها به رسمیت شناخته شده است و این محدودیت موجب شده است که تشکیل سرمایه در کشور کمتر از حد واقعی خود باشد. نسبت تشکیل سرمایه به تولید ناخالص داخلی طی سالهای ۷۹-۱۳۴۶ همواره پیرامون ۱۳ تا ۱۴ درصد در نوسان بوده است و حال آنکه این نسبت در کشورهای آسیای جنوب شرقی معادل ۳۳/۵ درصد و در بیشتر کشورهای در حال توسعه ۲۵ درصد بوده است.

تورم مداوم در سالهای گذشته دارای دلایل و ریشه های ساختاری است. افزایش مستمر هزینه های دولت که پس از فعل و انفعالاتی باعث افزایش مستمر نقدینگی شده است این تورم را تشدید نمود و در سطح کلان و به ویژه در هزینه های دولتی، تقاضای کلان از عرضه کلان پیشی گرفته است. فقر حاکم در کشور از دو عامل اساسی یعنی فقدان پویایی تولید و توزیع نامناسب درآمد و ثروت در جامعه تاثیر گرفته است این پدیده به ویژه از عدم تحرک تولید در گذشته رنج برده است. در اقتصاد

جهانی طی سه دهه گذشته حجم تجارت فراتر از رشد تولیدات جهانی افزایش یافته است. در حالیکه میزان صادرات غیرنفتی ایران به قیمت های ثابت تغییر چندانی نیافته است.

پایین بودن سطح بهره وری ناشی از اندک بودن محصول ملی در مقایسه با ظرفیت ها و توانایی های موجود منابع انسانی، طبیعی و اجتماعی است و محصول به دست آمده نسبت به هر یک از نهاده های تولید چندان رضایت بخش نیست.

از آنجا که اقتصاد کشور تحت تاثیر شدید درآمدهای ارزی قرار داشته است لذا بر کاهش قدرت رقابت اقتصاد کشور در بخش های قابل مبادله و ایجاد فرصت های ویژه در بخش های غیرقابل مبادله از جمله ساختمان و مسکن تاثیر گذاشته است.

اقتصاد ایران هم چنین به مرجعی متمرکز که قادر به تدوین سیاست ها و راهکارها باشد محتاج است. شوراهای متعدد و جدا و منفک از هم جز اینکه ناهماهنگی ها را تشدید کند نتیجه دیگری را عاید نخواهد کرد.

مقایسه تطبیقی شانزده کشور موفق جهان

این بخش به معرفی و تحلیل تجربه ۱۶ کشور از نقاط مختلف جهان و با پیشینه تاریخی و هم چنین نظامهای متفاوت اقتصادی برای شناخت سیر تحول صنعتی آنها اختصاص دارد. مرور بر راهکارهای این کشورها نشان می دهد که آنها در فرایند توسعه خود همواره از تجربه دیگر کشورها سود برده و الگوبرداری کرده اند.

کشورها به ترتیب حروف الفبا عبارتند از: آرژانتین، اندونزی، بنگلادش، پاکستان، تایلند، ترکیه، چین، ژاپن، سریلانکا، سنگاپور، کره جنوبی، کرواسی، فیلیپین، مالزی، هندوستان و هنگ کنگ. طبقه بندی و کلاسه کردن راه کارهایی که این کشورها انتخاب و برای توسعه صنعتی خود به کار برده اند نشان می دهد که بسیاری از راهکارها کاملاً مشابه هستند زیرا جهان امروز، جهان ارتباطات و اطلاعات است که از تجربه ها، عملکردها و کامیابی های دیگر کشورها برای طراحی نظام اقتصادی خود بهره گیرند.

اگر مجموعه راه کارهای کشورهای برگزیده را جمع بندی و خلاصه کنیم به نقاط مشترک زیر می رسیم که می توان درباره هر یک مطالعات و تحقیقات وسیعی را به انجام رسانید ولی در این فرصت محدود به اشاره آنها اکتفا می شود:

با اینکه غالب کشورهای انتخاب شده (به استثنای معدودی از آنها) سابقه استعمارزدگی داشته اند معهداً در رویکرد جدید، روش و سیاست همکاری و ایجاد رابطه مثبت با تمام ممالک از جمله ممالک استعماری سابق (مانند انگلستان، هلند، بلژیک، ژاپن و...) را در پیش گرفته اند.

دخالت دولتها در ابتدا تصدی گری در اقتصاد بوده و سپس به تدریج از میزان آن کاسته شده و به برنامه ریزی و نظارت محدود شده است.

- این دولتها در فرایند خصوصی سازی و در جریان عمل با دشواری های چند جانبه روبرو بوده اند ولی با فروش به قیمت ارزان برای خریداران بنگاهها قائل شده و فضا را برای استقبال بخش خصوصی آماده ساخته اند.
- اتحادیه ها و تشکل های کارگری و کارفرمایی به معنای واقعی آن مورد تائید و حمایت قرار گرفته و این تشکل ها نیز با درک واقعیت، خود را با الزامات دوره توسعه هماهنگ نموده اند و در تداخل و رویارویی مصالح ملی احتراز نموده و آن را بر مصالح صنفی ترجیح داده اند. تشکل های صنعتی و صنفی به عنوان بازوهای اجرایی توسعه شناخته شده و در سیاست گذاری ها و اتخاذ تصمیمات و برنامه ریزی ها مشارکت داده شده اند .
- کاهش نرخ تورم از درصدهای بسیار بالا به تورم یک رقمی موجب کاهش هزینه های تولید گشته است و درجه رقابت پذیری فرآورده های صنعتی را افزایش داده است .
- کشورها در تمامی تصمیمات خود با دیدگاه جهانی و حضور در پهنه مبادلات و تعاملات بین المللی مسائل را مورد تحلیل قرار داده اند. هر یک از آنها لاقبل در تعداد قابل توجهی از اتحادیه های منطقه ای و بین المللی عضویت یافته اند و در اولین فرصت به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمده اند . کشور چین یکی از استثنائات است که عضویت آن به دلایل سیاسی مدتها به طول انجامیده است .
- سرعت و کاهش بوروکراسی ، اصلاح نظام ارزی و حرکت از شیوه ارز مدیریت شده تا ارز آزاد ، اصلاح نظام سیاسی به عنوان پشتیبان نظام اقتصادی با تاکید بر استراتژی فعال از اقداماتی بوده است که در غالب کشورها به تدریج در اولویت اقدامات قرار گرفته و به فضا سازی مطلوب برای سرمایه گذاری (داخلی و خارجی) انجامیده است .
- مقررات زدایی برای اصلاح قوانین مزاحم توسعه ، کاهش نظارتهای مداخله گرایانه ، ادغام ارگانهای موازی و کاهش مجوزها و موانع تولیدی مد نظر قرار گرفته است .
- کمک به نهادسازی با هدف صرفا تسهیل نیازهای بخش تولید در زمینه ایجاد صندوقهای تضمین صادرات، تاسیس انیستیتوهای علمی و مطالعاتی صورت پذیرفته است.
- ایجاد تراز بازرگانی خارجی به صورت مثبت و ایجاد تعادل منطقی در واردات و صادرات ساختار صادراتی این کشورها را تشکیل داده است .
- ایجاد مناطق صنعتی و توسعه آنها در نقاطی که آمادگی و زمینه صنعتی شدن را دارند صورت پذیرفته است.
- احترام به حق مالکیت به عنوان یک اصل غیر قابل تغییر در قوانین اساسی و دیگر قوانین کشورها مورد تاکید فراوان قرار گرفته و تجاوز و تخطی از آن مستحق مجازات های شدید دانسته شده است .
- سیاست حمایت از صنعت از واحدهای کوچک و بزرگ به صورت توأمان اعمال گشته است .
- کارآفرینان و مدیران صنعتی غالبا در طراحی سیاست های صنعتی مشارکت داده شده اند .
- کشورها غالبا با دسترسی به دریاها و آزاد از این مزیت برای توسعه تجارت خود سود برده اند .

- در بخش تنظیم و اجرای قوانین و مسائل حقوقی اقداماتی در زمینه بازنگری قوانین، رفع تناقض ها و به هنگام سازی آنها، ساده سازی، ایجاد دادگاههای خاص برای جرایم اقتصادی، اقدامات موثری صورت داده اند.
- تاکید ویژه بر انتقال «بومی سازی و تولید تکنولوژی و نوآوری های صنعتی و علمی، عملی گردیده است.
- همه کشورها در طی سی سال دوره اجرای سیاستهای توسعه ای بهبود بهره‌وری را به عنوان یکی از الزامات رشد تلقی کرده و در جهت کارآمد کردن و بهره‌ور ساختن نیروی انسانی، سرمایه و ماشین آلات انواع روشهای علمی و تجربی را به کار بسته اند به ترتیبی که سطح بهره‌وری طی این مدت به چند برابر گذشته رسیده است.
- کشورها اصل تقسیم کار جهانی را پذیرفته‌اند و بخشی از امکانات خود را در اختیار این فرایند گذارده‌اند.

سیاست ها و برنامه های پیشنهادی برای شکوفایی بخش خصوصی در ایران

طی سالیان اخیر سیاست ها به نحوی بوده است که روز به روز سهم و نقش بخش خصوصی در اقتصاد ایران را محدود و محدودتر ساخته است و در مقابل بخش عمومی با وجود داشتن تسلط بر منابع سرشار و استفاده از کلیه امکانات نتوانسته است بازده و کارآیی مناسب را داشته باشد. برغم انتظارات قانون اساسی عملکرد اقتصاد دولت و بنگاههای دولتی شده نتوانسته در اشتغال، ثبات قیمتها، سطح زندگی بهتر برای جامعه و بخصوص طبقه متوسط کارساز باشد. پیشنهادات ذیل بیشتر ریشه در سیاست ها و برنامه ها و اقدامات اجرایی دولت و مقامات اجرایی مملکت دارد و هدف حذف موانع ایجاد شده و هموار سازی بستر فعالیت و رشد بخش خصوصی در اقتصاد ایران است.

نظر خواهی از بخش خصوصی و تشکلهای بخش خصوصی در باره دیدگاهها، اهداف و امکانات آنها برای برنامه ریزی.

۱. مقررات زدایی با هدف آماده کردن محیط فعالیت بخش خصوصی برای سرمایه گذاران بالاترین شاخص مشوق سرمایه گذاری، امنیت دراز مدت سرمایه گذاری و سودآوری است ایجاد محیط مساعد برای تشکیل بازار سرمایه شامل تاسیسات مالی و اعتباری لازم برای جلب و هدایت سرمایه ها و پس اندازهای مردم می باشد.
۲. دادن آزادی و استقلال عمل به بانکها در تخصیص اعتبارات بر مبنای رقابت و سود دهی و هدایت سپرده های مردم و نیازهای بخش خصوصی.
۳. شناخت طرحهای مولد و مفید، آماده سازی مطالعات و امکانات برای اجرا طرحها توسعه بخش خصوصی بطور مستقل و یا با مشارکت موسسات مالی وابسته به دولت.
۴. بررسی و معرفی طرحهای موفق بخش خصوصی و الگوسازی برای سایر سرمایه گذاران.

۵. وضع قوانین و مقررات و ایجاد تاسیسات لازم برای جلب و حمایت از سرمایه گذاری های مستقیم و غیرمستقیم خصوصی خارجی (شامل ایرانیان مقیم خارج) و تسهیل انتقال دانش فنی، مدیریت و دسترسی به امکانات. جلب سرمایه های خارجی مستلزم قبول اصول مورد پذیرش سازمان تجارت جهانی از جمله "اصل رفتار ملی" و عضویت در سازمان تجارت جهانی برای دسترسی به بازارهای جهانی و توسعه صادرات است.
۶. تشویق بخش خصوصی به اشتغال آفرینی اعم از موقتی و دائمی از راه دادن امتیازات مالیاتی، تخفیف های ویژه در هزینه های بالاسری و یا کاستن از تعهدات مربوط به قانون کار و انتقال این تعهدات به صندوق های خاص و یا تاسیسات مربوط دیگر است.
۷. شناخت دقیق طرح ها و پروژه های نیمه تمام و یا رها شده و نیازهای اتمام و راه اندازی آنها با همکاری شکل های مربوط و تدوین برنامه های اجرایی برای بار آوردن این طرحها.
۸. حذف سازمانها و نهادهای مداخله گر دولتی در قیمت گذاری و توزیع کالاها و اجازه دادن به مکانیسم عرضه و تقاضا برای تخصیص منابع و تقویت شکل های حرفه ای و صنفی برای رسیدگی به تخلفات و انحرافات تحت نظر نهادهای نظارتی و ارشادی دولتی.
۹. تدوین قانون کار تازه با توجه به اهداف ملی یعنی ایجاد و حفظ اشتغال، تامین درآمد مناسب با بازده و تولید برای کارگران و مکانیزم ایجاد ارتباط صحیح و مسالمت آمیز بین شکل های کارگری و کارفرمایی برای تدوین قراردادهای دسته جمعی و تنظیم روابط کار با توجه به مقررات ارشادی دولت.
۱۰. تعالی نظام مالیاتی با هدف کمک به توسعه اقتصادی به پیشگامی بخش خصوصی، ایجاد انگیزه های مالیاتی و رفتار مبتنی بر مفاهیم و احترام با مودیان همیشه در ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی کارساز بوده است.
۱۱. قانون مند کردن نظام تصمیم گیری صنعتی در کشور.
۱۲. تشویق ایجاد نهضت علمی - صنعتی از راه ترجمه کتب و مقالات مفید برای توسعه صنعتی و علمی کشور. در این زمینه می توان با معرفی موضوعات مورد نیاز از ایرانیان استاد و متخصص در هر رشته در داخل و خارج استمداد کرد و به بهترین ها جوایزی داد.
۱۳. شناخت، تنظیم و معرفی پروژه های صنعتی کوچک و قابل اجراء در ایران به کمک تجربیات سایر ملل مخصوصا موسسات وابسته به سازمان ملل و ترجمه و در دسترس گذاشتن اطلاعات مربوط.
۱۴. تشویق ایجاد و حمایت از شکل های بخش خصوصی از راه ساده سازی شکل و فعالیت و دادن نقش اجرایی موثر به شکل ها.
۱۵. شناخت و معرفی تجارب موفق بخش خصوصی در اجراء طرح های اقتصادی و استمداد از بخش خصوصی در اجراء طرحهای ضرورتا دولتی.
۱۶. کمک به رشد و اشاعه فرهنگ کارآفرینی و حمایت از کارآفرین و معرفی زندگی کارآفرینان موفق با هدف معرفی نقش و اهمیت کارآفرینان در تحقق اهداف اقتصادی - اجتماعی کشور.

۱۷. شناخت استعدادهای کارآفرینی در جوانان و کمک به تبلور و تحقق این استعدادها، اجراء برنامه در جستجوی کارآفرین می تواند نهضتی برای تشویق گسترش بخش خصوصی در اقتصاد ایران باشد .
۱۸. شناخت طرحهای مولد و مفید آماده سازی مطالعات و امکانات برای اجرا طرحها توسعه بخش خصوصی بطور مستقل و یا با مشارکت موسسات مالی وابسته به دولت.
۱۹. بررسی و معرفی طرحهای موفق بخش خصوصی و الگوسازی برای سایر سرمایه گذاران.
۲۰. بالاخره تدوین و تصویب استراتژی های توسعه صنعتی کشور و ترسیم نظامی متناسب و برازنده به منظور صنعتی نمودن کشور و هم آهنگ سازی آن با دو بخش دیگر اقتصاد (خدمات و کشاورزی) به منظور دستیابی سهمی فراتر از ۲۵ درصد در تولید ناخالص ملی .

سرمایه گذاری ، توسعه ، اشتغال ، رفاه

ثمره سرمایه گذاری و تلاش کارآفرینان و صنعتگران



تیرماه ۱۳۸۲



انجمن مدیران صنایع



خانه صنعت و معدن
استان تهران



کنفدراسیون صنعت ایران



وزارت صنایع و معادن